

– ازم بدت اومد زندگیم؟

با شنیدن این حرفش گریه هام بیشتر شد که دست انداخت دور گردنم و کشید سمت خودش.

سرم رفت روی سینش و با هق هق و تن لرزون نگاهش کردم:

– شاهرخ تو کی بودی؟

با عذاب نگاهم کرد:

– یه حیوون به تمام معنا!

با غم گفتم:

– دخترا رو بی ابرو میکردی؟

از جا پرید:

– کی این حرفو زده!

– پدرت گفت دخترا رو پاره میکردی یعنی چی؟ فکر کردی خرم؟

بوسه ای روی شقیقم زد:

– گفتم حیوون بودم نه در این حد که برم به ناموس مردم تجاوز کنم اونا خودشون میخواستن با من باشن.

از شدت حسادت تنم منقبض شد:

_ غلط میکردن.

سرم و چسبوند به سینش که همه چی یادم رفت، اصلا یادم رفت چرا داشتم گریه میکردم.

موهامو نوازش میکرد:

_اره نفسم. غلط اضافه کردن من فقط برای توعم. این کثافت کاریا برای گذشته من بعد از اومدن تو نگاهم سمت چشمای دختری نرفته.



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

